



## be going to

ساختارهای be going to به شکل زیر هستند:

خبری	فعل ساده + am/is/are + going to + فاعل
منفی	فعل ساده + am/is/are + not + going to + فاعل
سؤالی	Am/Is/Are + فاعل + going to + فعل ساده + ...?

## کاربردهای be going to:

۱ تصمیم‌گیری با قصد و برنامه‌ریزی از قبل:

e.g I'm going to look for a new place to live next month.

من قصد دارم دنبال یک مکان جدید برای زندگی کردن در ماه آینده بگردم.

۲ پیش‌بینی بر اساس شواهد:

e.g The sky is very black. It's going to snow.

آسمان خیلی تیره است. برف خواهد آمد.

Type 1 I think Ali ..... the job. He has a lot of experience.

تست

1) getting

2) won't get

3) will get

4) is going to get

پاسخ گزینه «۳»

ترجمه من فکر می‌کنم علی آن شغل را خواهد گرفت. او تجربه‌های زیادی دارد.

ذهن‌خوانی طراح برای پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی از will استفاده می‌کنیم. در این تست به خاطر وجود فعل think قبل از نقطه‌چین، می‌توانیم بفهمیم که فرد بر اساس نظر شخصی خودش می‌گوید که علی شغل را به دست خواهد آورد و به همین دلیل از will استفاده می‌کنیم.

## زمان گذشته استمراری (درس ۳ سال دهم)

قبل از این که گذشته استمراری را یاد بگیرید، باید گذشته ساده را بلد باشید.

یادآوری زمان گذشته ساده برای اشاره به عملی به کار می‌رود که در گذشته شروع و تمام شده است.

e.g He went to the cinema last night.

او دیشب به سینما رفت.

ساختارهای زمان گذشته استمراری به شکل زیر هستند:

خبری	فعل + ing + was/were + فاعل
منفی	فعل + ing + was/were + not + فاعل
سؤالی	Was/Were + فاعل + فعل + ing + ...?

## کاربردهای گذشته استمراری:

۱ هرگاه عملی در زمان گذشته در حال انجام شدن بوده و عملی آن را قطع کرده باشد، از گذشته استمراری برای عمل طولانی‌تر و از گذشته ساده برای عمل کوتاه‌تر استفاده می‌کنیم.

e.g The children were doing their homework when I got home.

وقتی که من به خانه رسیدم بچه‌ها در حال انجام دادن تکالیفشان بودند.



۲ هرگاه دو عمل هم‌زمان با هم در گذشته در حال انجام شدن باشند، هر دو عمل را با گذشته استمراری نشان می‌دهیم:

**e.g** I was watching TV while my wife was making dinner.

من داشتم تلویزیون می‌دیدم وقتی که همسرم داشت شام درست می‌کرد.

۳ هرگاه عملی در زمان گذشته در حال انجام شدن باشد اما زمان دقیق شروع و پایان آن مشخص نباشد، از گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

**e.g** Last night I was playing chess with Ali. دیشب من داشتم با علی شطرنج بازی می‌کردم.

### فعل‌های حالت (state verbs)

تعدادی از فعل‌ها هستند که در آن‌ها فاعل کاری انجام نمی‌دهد و مربوط به تفکرات، احساسات، اعتقادات و ... هستند و به آن‌ها فعل‌های حالت (state verbs) می‌گویند. مهم‌ترین ویژگی فعل‌های حالت این است که استمراری نمی‌شوند. در جدول زیر، مهم‌ترین فعل‌های حالت آورده شده است:

agree	موافق بودن	prefer	ترجیح دادن
believe	باور داشتن	promise	قول دادن
like/love	دوست داشتن	belong	متعلق بودن
dislike	متنفر بودن	recognize	شناختن
know	دانستن	understand	درک کردن
feel	احساس کردن	want	خواستن
seem	به نظر رسیدن	forget	فراموش کردن
have	داشتن	mean	معنی ... دادن
see	فهمیدن	need	نیاز داشتن
think	تصور کردن	remember	به خاطر آوردن

She doesn't know what to do. (Not she isn't knowing what to do.)

I like this song. (Not I'm liking this song.)

**⚠ حواست باشه که** افعال حالت فقط در معانی که در جدول بالا برایشان آمده است، استمراری نمی‌شوند و در سایر معانی می‌توانند به صورت استمراری در جمله استفاده شوند.

**e.g** I'm having dinner right now. همین الان شام می‌خورم.

**Type 1** Hamid ..... a lot of interesting people while he ..... in California.

تست

1) met - was working

2) was meeting - working

3) met - worked

4) was meeting - work

پاسخ گزینه «۱»

**ترجمه** حمید افراد جالب بسیاری را دید وقتی که در کالیفرنیا زندگی می‌کرد.

**🧠 ذهن‌خوانی طراح** اگر عملی در زمان گذشته در حال انجام شدن بوده باشد و عملی دیگر آن را قطع کرده باشد، عمل طولانی را با گذشته استمراری (was working) و عمل کوتاه را با گذشته ساده (met) نشان می‌دهیم.





**26. John: “..... you ever ..... everywhere with your brother?”**

**Adam: “Yes, last year, we ..... to China together.”**

- |                       |                            |
|-----------------------|----------------------------|
| 1) Did / visit / went | 2) Have / gone / gone      |
| 3) Has / gone / go    | 4) Have / travelled / went |

**27. Tina ..... a novel when her mother ..... in. She was ..... her English book.**

- 1) wasn't reading / was coming / was studying
- 2) wasn't reading / came / was studying
- 3) read / came / was studying
- 4) wasn't reading / came / studied

**28. Alice and John have worked for that company .....**

- |                  |             |                      |                    |
|------------------|-------------|----------------------|--------------------|
| 1) since 2 years | 2) for 1986 | 3) since a long time | 4) for a long time |
|------------------|-------------|----------------------|--------------------|

**29. Before she went to the zoo, She .....**

- |                          |                          |
|--------------------------|--------------------------|
| 1) has never seen a bear | 2) had never seen a bear |
| 3) has ever seen a bear  | 4) had ever seen a bear  |

**30. Ann was writing a letter .....**

- 1) when Steve is reading the New York Times
- 2) when Steve read the New York Times
- 3) while Steve read the New York Times
- 4) while Steve was reading the New York Times

**31. Rescue helicopters had searched the whole area for the missing hikers for five hours before they finally ..... them in a remote area.)** (ریاضی ۹۹)

- |               |               |                 |          |
|---------------|---------------|-----------------|----------|
| 1) were found | 2) would find | 3) were finding | 4) found |
|---------------|---------------|-----------------|----------|

**32. Michiko couldn't come to the telephone when Mrs. Sakuda called her because she ..... in the laboratory.** (خارج از کشور انسانی ۹۹)

- |          |               |               |                |
|----------|---------------|---------------|----------------|
| 1) works | 2) has worked | 3) would work | 4) was working |
|----------|---------------|---------------|----------------|

**33. He ..... my favorite actor since I saw him in his last film; he is the best, I believe.**

(خارج از کشور عمومی ۹۹)

- |                    |             |             |        |
|--------------------|-------------|-------------|--------|
| 1) was going to be | 2) would be | 3) has been | 4) was |
|--------------------|-------------|-------------|--------|

**34. After she ..... the body of her husband, the police asked her to collect his personal things.**

(ریاضی ۱۴۰۰)

- |                   |                   |                   |                    |
|-------------------|-------------------|-------------------|--------------------|
| 1) had identified | 2) has identified | 3) was identified | 4) was identifying |
|-------------------|-------------------|-------------------|--------------------|

**35. In human beings, hairs around the eyes and ears and in the nose, ..... dust, insects, and other matter from entering these body parts.** (تجربی ۱۴۰۰)

- |            |                 |                  |               |
|------------|-----------------|------------------|---------------|
| 1) prevent | 2) they prevent | 3) by preventing | 4) to prevent |
|------------|-----------------|------------------|---------------|





**۳۱. گزینه ۴** هلی کوپترهای نجات تمام منطقه را دنبال افراد [پیاده] گم‌شده برای مدت ۵ ساعت گشته بودند قبل از این که سرانجام آن‌ها را در یک منطقه دورافتاده پیدا کنند.

هرگاه بخواهیم بگوییم عملی قبل از عمل دیگر در گذشته رخ داده، از گذشته کامل استفاده می‌کنیم. پس از آن هم برای فعل دوم از گذشته ساده استفاده می‌کنیم. فعل اول جمله (had searched) گذشته کامل است و قبل از پیدا شدن (found) است.

**۳۲. گزینه ۴** میچیکو نتوانست پای تلفن بیاید وقتی که خانم ساکودا با او تماس گرفت، چون در آزمایشگاه در حال کار کردن بود.

عمل کار کردن در گذشته برای مدتی در حال انجام شدن بوده است.

**۳۳. گزینه ۳** وی از زمانی که او را در آخرین فیلمش دیدم، هنرپیشه مورد علاقه من بوده است؛ من معتقدم که او بهترین است.

«مقطع زمان + since» نشانه زمان حال کامل است.

**۳۴. گزینه ۱** بعد از این که او (خانم) جسد شوهرش را شناسایی کرده بود، پلیس از او درخواست کرد که وسایل شخصی‌اش را جمع کند.

با توجه به این که عملی در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده است از ماضی بعید (گذشته کامل) استفاده می‌کنیم.

**۳۵. گزینه ۱** در انسان‌ها، موهای اطراف چشم‌ها و گوش‌ها و موهای داخل بینی از ورود گرد و غبار، حشرات و دیگر مواد به داخل این قسمت‌های بدن جلوگیری می‌کنند.

برای بیان واقعیت‌ها، عادت‌ها و کارهای روزمره از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم؛ بخش قبل از نقطه چین نقش فاعل جمله را دارد، بنابراین بعد از آن طبق ساختار کلی جمله به یک فعل احتیاج داریم.

**۳۶. گزینه ۱** ابرهای زیادی در آسمان وجود دارد. شاید باران ببارد.

برای بیان احتمال از may استفاده می‌کنیم.

**۳۷. گزینه ۳** یادگیری یک زبان خارجی برای داشتن توانایی صحبت کردن آن به صورت روان، زمانی بیشتر از آن چه قبلاً فکر می‌کردم طول می‌کشد.

اسم مصدر یا ing + فعل به عنوان فاعل می‌تواند اول جمله به کار برده شود. با توجه به این نکته و مفهوم جمله، گزینه ۳ صحیح است.

**۳۸. گزینه ۱** من می‌توانم یکی از دوستانم را به مهمانی شما بیاورم؟

برای اجازه گرفتن از may استفاده می‌کنیم.

**۳۹. گزینه ۲** شما نباید به موسیقی بلند گوش بدهید. به گوش‌تان آسیب می‌رساند.

برای توصیه و نصیحت از should استفاده می‌کنیم.

**۴۰. گزینه ۲** آن مرد فکر می‌کرد که برای همه در هتل کاملاً مهم بود که لابی را هر چه سریع‌تر ترک کنند. بعد از صفت، مصدر با to به کار می‌رود.

**توضیح** ساختار زیر را به خاطر بسپارید:

**مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + to be + It**

**۴۱. گزینه ۱** انجام دادن منظم ورزش برای هر کسی مفید است.

اگر اسم مصدر در ابتدای جمله آمده باشد، بعد از آن فعل مفرد به کار می‌رود (حذف گزینه‌های ۲ و ۴). چون جمله به یک واقعیت اشاره دارد از زمان حال استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه ۳).

**۴۲. گزینه ۳** یادگیری یک زبان در کوتاه‌مدت، به‌ویژه زمانی که یک مبتدی واقعی هستید، تقریباً ناممکن است. اسم مصدر می‌تواند در ابتدای جمله در نقش فاعل بیاید.

**۴۳. گزینه ۳** اگر شما بلد بودم، سعی می‌کردم آن مرد را نجات بدهم.

چون بعد از If، زمان گذشته ساده (knew) به کار رفته، بنابراین با جمله شرطی نوع دوم روبه‌رو هستیم. در بخش جواب شرط هم باید از «فعل ساده + would» استفاده کنیم.

**زمان گذشته + If + فعل ساده + would + فاعل**

**۴۴. گزینه ۲** این یک منطقه سیگار ممنوع است، بنابراین نباید این جا سیگار بکشید.

برای بیان ممنوعیت از mustn't استفاده می‌کنیم.

**۴۵. گزینه ۲** سیمین به برادرش گفت که وقتی دارد تکالیفش را انجام می‌دهد رادیو را روشن نکند.

بعد از فعل tell، مصدر با to به کار می‌رود و برای منفی کردن کافیسست not را قبل از to به کار ببریم.

**۴۶. گزینه ۳** علی رغم تابلوهای «شنا کردن ممنوع» در آن منطقه، مردم هنوز به آن جا می‌روند و شنا می‌کنند. از عبارت «اسم مصدر + No» برای بیان ممنوعیت استفاده می‌کنیم.





## جلسه اول واژگان

### توانایی

**ability** (n.)

- Students are put in different groups according to their **ability**.
- دانش‌آموزان مطابق توانایی‌هایشان در گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند.

### جذب کردن

**absorb** (v.)

- Plants **absorb** carbon dioxide.
- گیاهان، دی اکسید کربن را جذب می‌کنند.

### ۱. قدردانی کردن ۲. فهمیدن، درک کردن

**appreciate** (v.)

- I don't think you **appreciate** how much time I spent preparing this meal.
- من فکر نمی‌کنم که تو درک کنی چقدر برای آماده کردن این غذا وقت صرف کرده‌ام.

### ۱. مرتب کردن ۲. چیدن ۳. منظم کردن ۴. ترتیب دادن

**arrange** (v.)

- I can **arrange** to meet with you just on Monday.
- من می‌توانم با شما قرار ملاقاتی را درست در روز دوشنبه ترتیب دهم.

### متعادل

**balanced** (adj.)

- He was fat, but now he has a **balanced** weight.
- او چاق بود، اما الان وزن متعادلی دارد.

### اعتقاد، باور

**belief** (n.)

- His **belief** in God gave him hope during difficult times.
- اعتقاد او به خدا، در شرایط سخت به او امید می‌داد.

### منفجر شدن، ترکیدن

**burst** (v.)

- John **burst** into tears when he heard his father died.
- جان وقتی شنید که پدرش از دنیا رفته است، زیر گریه زد.

### به آرامی، با آرامش

**calmly** (adv.)

- If the fire alarm goes off, leave the building quickly and **calmly**.
- اگر زنگ خطر آتش به صدا درآمد، ساختمان را سریع و با آرامش ترک کنید.

### ۱. حمل کردن ۲. منتقل کردن

**carry** (v.)

- The old woman asked me to **carry** her bag.
- آن پیرزن از من خواست تا کیفش را برایش حمل کنم.

## جمع‌آوری کردن

collect (v.)

- My brother likes to **collect** different kinds of stamps.
- برادرم به جمع‌آوری انواع مختلف تمبرها علاقه دارد.

## ترکیب

combination (n.)

- The school uses a **combination** of modern and traditional methods for teaching reading.
- آن مدرسه، ترکیبی از روش‌های جدید و سنتی برای آموزش خواندن استفاده می‌کند.

## تبدیل کردن، تغییر دادن

convert (v.)

- They **converted** the spare bedroom into an office.
- آن‌ها اتاق خواب اضافی را به دفتر تبدیل کردند.

## فرهنگ

culture (n.)

- sport is a major part of our national **culture**.
- ورزش، یکی از بخش‌های اصلی فرهنگ ملی ماست.

## سنت، رسم

custom (n.)

- My uncle is interested in old local **customs**.
- عموی من، به سنت‌های محلی قدیمی، علاقه‌مند است.

## ۱. دفاع کردن ۲. حمایت کردن ۳. حفاظت کردن

defend (v.)

- The brave soldiers **defended** our country.
- سربازان شجاع، از کشورمان دفاع کردند.

## ۱. درخواست، تقاضا ۲. درخواست کردن، تقاضا کردن

demand (n.) (v.)

- One of the problems is the growing **demand** for housing.
- یکی از مشکلات، تقاضای رو به رشد برای مسکن است.

## با وجود این‌که، با این‌که

despite (prep.)

- **Despite** her illness, she came to work.
- او با وجود بیماری‌اش، سرکار آمد.

## ۱. توسعه دادن ۲. پرورش دادن ۳. رشد کردن

develop (v.)

- I need a job that enables me to **develop** my skills.
- من به شغلی نیاز دارم که من را قادر می‌سازد تا مهارت‌هایم را توسعه دهم.

## دفتر خاطرات

diary (n.)

- She records everything that happens to her in her **diary**.
- او همه چیزهایی را که برایش اتفاق می‌افتد، در دفترچه خاطرات خود ثبت می‌کند.





41. Some doctors are concerned that in the ..... many people may suffer health problems from the use of mobile phones  
1) life                      2) past                      3) future                      4) present
42. There is still not much ..... like movie theater for young people in some small towns. (ریاضی ۹۴)  
1) development                      2) entertainment                      3) environment                      4) connection
43. Because they were having ..... problems, the couple decided it was best for them to live in separate places while they worked on their relationship.  
1) domestic                      2) healthy                      3) national                      4) physical
44. We may not like a part of the host's ....., but we should be polite to people and their values.  
1) society                      2) custom                      3) culture                      4) reflection
45. Café Beignet serves a ..... of coffee drinks and Italian sodas, along with some unexpected snack offerings, including elephant ears.  
1) site                      2) identity                      3) level                      4) range
46. She suffered from an ..... problem after her husband's death, and unfortunately none of her friends was ready to help her. (هنر ۹۴)  
1) emotional                      2) effective                      3) excited                      4) addictive
47. They knew they'd have to move fast and ..... the injured men back, so they didn't want to take along any more weight than necessary.  
1) range                      2) defend                      3) burst                      4) carry
48. She advised him to take a long holiday, so he immediately ..... work and took a trip around the world.  
1) quit                      2) quite                      3) quick                      4) quiet
49. The old man down the street always ..... to himself. I just realized I don't even know his name. (خارج از کشور عمومی ۹۸)  
1) keeps                      2) cares                      3) gives up                      4) gets away
50. The 548 languages with fewer than 99 speakers ..... nearly 8 percent of the world's language.  
1) use up                      2) give up                      3) make up                      4) jump into
51. .... filled the minds of all of the passengers aboard the falling airplane. (تجربی ۹۹)  
1) Dread                      2) Emotion                      3) Disorder                      4) Pain
52. Henry likes to take long showers and ..... all the hot water before others get a chance to bathe. (ریاضی ۹۹)  
1) fall down                      2) pass away                      3) use up                      4) turn off
53. It was difficult, but after many years I was able to ..... the man that had hit me with his car and taken my ability to walk. (انسانی ۹۹)  
1) hate                      2) forgive                      3) expect                      4) appreciate
54. People are continuously buying more products and building more houses. Fresh water, oil and natural gas are just some of the resources which are in ..... (خارج از کشور عمومی ۹۹)  
1) demand                      2) diversity                      3) discount                      4) disorder





- (۱) مصرف کردن (۲) فرآوری کردن  
(۳) خوردن (۴) ذخیره کردن

**۵۲۹. گزینه «۴»** نسبت بالاتری از مردان به جای این که خودشان مسئول باشند، مایل هستند مسئولیت‌های خانوادگی تقسیم شوند.

- (۱) تعهد (۲) تولید  
(۳) بحث (۴) نسبت، سهم  
**۵۳۰. گزینه «۳»** خلبان هواپیما مجبور شد بر فراز دریاچه جنوا، فرود اضطراری کند.

- (۱) نرم (۲) امن  
(۳) اضطراری (۴) مناسب  
**۵۳۱. گزینه «۳»** دوربین‌های دیجیتال به جای فیلم از یک تراشه حساس به نور استفاده می‌کنند و تصاویر را به صورت فایل‌های تصویر دیجیتال ذخیره می‌کنند که قابل انتقال به کامپیوتر هستند.

- (۱) ملحق شدن (۲) نشان دادن  
(۳) ذخیره کردن (۴) فراهم کردن  
**۵۳۲. گزینه «۱»** هنگامی که معلم شروع به توضیح چگونگی امتحان بزرگ بعدی کرد، بچه‌ها توجه ویژه‌ای کردند.

- (۱) خاص، ویژه (۲) محبوب  
(۳) مشتاق (۴) سرگرم  
**۵۳۳. گزینه «۱»** در ابتدا، رأی‌دهندگان توجهی به او به عنوان مردی مناسب برای آن پست نداشتند، اما اکنون آن‌ها اعتقاد دارند که او به قدر کفایت مؤثر است.

- (۱) توجه (۲) موضوع  
(۳) علاقه (۴) توجه

**نکته** عبارت "take notice of" به معنای «توجه کردن به چیزی» می‌باشد و عبارت "pay attention to" نیز به همین معناست.

- ۵۳۴. گزینه «۴»** آیا داشتنی جدی می‌گفتی یا شوخی می‌کردی وقتی که گفتی قصد داری شغلی فعلی‌ات را کنار بگذاری؟

- (۱) طبیعی (۲) سرگرم‌کننده  
(۳) هیجان‌زده (۴) جدی

- (۱) پخش (۲) ساختار  
(۳) نسبت (۴) دوره  
**۵۲۱. گزینه «۲»** پلیس به دنبال مردی است که یک ماشین دزدیده است.

- (۱) اقدام کردن (۲) جستجو کردن  
(۳) مراقبت کردن (۴) تحقیق کردن  
**۵۲۲. گزینه «۴»** از این که مردم از کنترل تلویزیون برای گشت زدن در شبکه‌ها بدون توقف استفاده کنند، متنفرم.

- (۱) تولید مثل کردن (۲) پشتیبانی کردن  
(۳) ترجمه کردن (۴) گشت زدن، جستجو کردن  
**۵۲۳. گزینه «۲»** برخی دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که دمای زمین طی ۲۰ سال آینده تا ۵ درجه افزایش خواهد یافت.  
(۱) ترجیح دادن (۲) پیش‌بینی کردن  
(۳) آماده کردن (۴) پیشگیری کردن  
**۵۲۴. گزینه «۲»** هردو خانم و آقای کریمی نگران پسرشان هستند زیرا زندگی را جدی نمی‌گیرد.

- (۱) مرتباً (۲) به‌طور جدی  
(۳) از نظر عاطفی (۴) به راحتی

**نکته** "take sth seriously" به معنای «جدی گرفتن چیزی» است.

- ۵۲۵. گزینه «۱»** او گفت: «آن‌ها چیزی پیدا نکردند بنابراین مجبور شدند آن را به عنوان مرگ ناگهانی به دلایل طبیعی خاتمه دهند».

- (۱) دلایل (۲) درمان‌ها  
(۳) زمین‌ها (۴) مناطق  
**۵۲۶. گزینه «۴»** ما عصر پنج‌شنبه با معلم پسرمان قرار ملاقات داریم تا درباره پیشرفت او در مدرسه صحبت کنیم.

- (۱) به‌دست آوردن (۲) ساختن  
(۳) جستجو کردن (۴) گفتگو کردن  
**۵۲۷. گزینه «۲»** اگر بخواهیم این کار به موقع انجام شود، به حمایت زیادی نیاز پیدا می‌کنیم.

- (۱) نسبت (۲) حمایت  
(۳) پخش (۴) تضاد  
**۵۲۸. گزینه «۲»** وقتی مواد غذایی خام فرآوری می‌شوند، به روشی مناسب و برای هدفی خاص تغییر می‌یابند.





## Level 2

## سطح دشوار

۲۰

**9** When you are going to give a book talk, you need to prepare it carefully. First, you should choose a book that you enjoyed .....(41)..... well. You will give a better talk if you feel .....(42)..... talking about it. After you

.....(43)..... on the book, make notes about what you want to say. Use small note cards or pieces of paper. Then practice talking from the notes until you can talk without reading the notes and without many .....(44)..... . At this point, you should time yourself to make sure your talk is not too long or .....(45)..... . If necessary, adjust your talk so that it takes the right amount of time. Finally, practice your talk with a friend or record it so you can listen to it.

**توضیحات** در سؤالات گرامری معمولاً موضوعاتی مانند زمان‌ها، مجهول‌ها و ضمائر موصولی از اهمیت زیادی برخوردار هستند.

(ریاضی ۱۴۰۰)

41. 1) because you understood      2) and that you understood  
3) or you should understand      4) which you should understand
42. 1) renewable    2) voluntary      3) distinguished    4) comfortable
43. 1) decide that    2) had decided      3) are deciding      4) have decided
44. 1) definitions    2) reasons      3) pauses      4) tips
45. 1) too short      2) as short      3) shorter than      4) the shortest

**10** It is recommended that parents read to their children at preschool and early primary levels. When they read to a child from story books, comic strips of the better type, and .....(46)....., he learns that books, magazines, and newspapers .....(47)..... something of interest and amusement for him. He also comes to .....(48)..... that this “something” which he enjoys is closely related to black and white symbols, and that these symbols can be decoded only .....(49)..... . This awareness and interest form a .....(50)..... he can use to jump into learning to read in school.

**توضیحات** برای لغت‌های ناآشنا، سعی کنید معنی آن کلمات را حدس بزنید. مثلاً می‌توانید از پیشوندها و پسوندها، هم‌خانواده‌ها و... کمک بگیرید. خواندن لغات مهم خارج از کتاب که در انتهای همین کتاب آورده شده است هم یک راه عالی دیگر است.

(خارج از کشور انسانی ۹۹)

46. 1) are magazines for children      2) children's magazines  
3) there are magazines for children    4) children's magazines are there
47. 1) draw      2) throw      3) hold      4) rise
48. 1) find out      2) look up      3) pay attention    4) check in
49. 1) when one knows how to read    2) knowing how to read and when  
3) by knowing that how one reads    4) when and how one knows and reads
50. 1) drop      2) factor      3) means      4) communication





## پاسخ‌نامه پرسش‌های چهارگزینه‌ای

## ۴. گزینه «۴»

## توضیح

با توجه به قید زمان «...from the beginning» می‌توان استنباط کرد که این عمل در گذشته انجام شده و تا به حال ادامه یافته یا آثارش باقی است که این تعریف زمان حال کامل یا همان ماضی نقلی است (have + p.p. / has).

۵. گزینه «۲» با توجه به معنای جمله و توالی فعل‌های به کاررفته در بخش قبل از نقطه‌چین (enter و steal)، به حرف ربط هم‌پایه‌ساز «and» و شکل ساده فعل (use) نیاز داریم.

۲. عصر جدید، عصر الکتریسیته است. مردم آن‌قدر به لامپ‌های الکتریکی، رادیو، تلویزیون و تلفن‌ها عادت کرده‌اند که تصور زندگی بدون آن‌ها بسیار مشکل است. هنگامی که برق قطع می‌شود، مردم شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرند. خودروها ممکن است در ترافیک سنگین گیر بیفتند چون چراغ‌های راهنمایی برای راهنمایی کردن وجود ندارند و غذاها در یخچال‌های خاموش می‌گندند.

با وجود این، انسان‌ها چگونگی کارکرد الکتریسیته را فقط کمی پیش از دو قرن پیش فهمیدند. طبیعت، ظاهراً مدتی در حال آزمایش این عرصه بوده است. میلیون‌ها سال دانشمندان بیشتر و بیشتر در حال کشف این هستند که دنیای زنده ممکن است چیزهای جالب زیادی درباره الکتریسیته داشته باشد که می‌توانند به انسان سود برسانند.

## ۶. گزینه «۴»

- (۱) ذخیره کردن (۲) به‌خاطر آوردن  
(۳) مقایسه کردن (۴) تصور کردن

## ۷. گزینه «۳»

- (۱) راهنمایی کردن  
(۲) دارند راهنمایی می‌کنند  
(۳) برای راهنمایی کردن  
(۴) آن‌ها راهنمایی می‌کنند

## Cloze Test

## کلوزتست

۱. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، وقتی اینترنت تازه آمده بود، محبوب‌ترین رمز عبور (یا گذرواژه) «۱۲۳۴۵» بود. بر اساس یک مطالعه جدید، بیست درصد کاربران اینترنت هنوز یک رمز عبور خیلی ساده انتخاب می‌کنند. محبوب‌ترین آن‌ها در حال حاضر «۱۲۳۴۵۶» است. دیگر گذرواژه‌های پرطرفدار «abc۱۲۳»، «iloveyou» و «password» هستند. از نظر حفظ اطلاعات، گذرواژه‌هایی مانند این‌ها خیلی مؤثر نیستند. طبق نظر متخصصان امنیت رایانه، این کار مانند گذاشتن کلید یک خانه زیر فرش جلوی در می‌باشد. پیدا کردنش خیلی آسان هست.

اکثر افراد باید تا به حال فهمیده باشند که یک گذرواژه آسان ایده خوبی نیست. این موضوع جدیدی نیست و گزارش‌های بسیاری در رسانه‌ها درباره امنیت اینترنت وجود دارد. از همان ابتدا، وب در معرض هجوم هک‌هایی بوده است که به دنبال راه‌هایی برای ایجاد دردسر و یا کسب درآمد هستند. آن‌ها وارد ایمیل یا حساب دیگر(ان) می‌شوند، اطلاعات شخصی را به سرقت می‌برند و از آن‌ها برای خالی کردن حساب‌های بانکی یا کارت‌های اعتباری استفاده می‌کنند.

## ۱. گزینه «۲»

- (۱) خیلی کوچک (۲) اخیر، جدید  
(۳) متعهد، از خود گذشته (۴) قابل رؤیت

## ۲. گزینه «۳»

- (۱) بخشنده، سخاوتمند (۲) شاد

- (۳) مؤثر (۴) متوسط

۳. گزینه «۴» با توجه به معنای جمله پایه، در ادامه فقط ساختار «that an easy password» می‌تواند معنا و پیام جمله را تکمیل کند.





**2** Throughout history, the difference between the old and the young has been a defining feature of both reality and literature. Parents have power over their children ... but as those children get older, they begin to put pressure on their parents' power. They test the rules; they rebel; they create their own rules. The parents are puzzled, disappointed and angry about the shift in the balance of power. They fight back; try to control their young sons and daughters in an attempt to maintain their power. But as they grow towards old age, they are forced to relinquish it and hold their hand up, while the world changes into a place they can hardly recognize from their youth.

The fight between old and young has also become a feature of the twenty-first century, as we approach a period where the balance of power reaches a new territory. This is not to say that relationships between the generations are expected to worsen; rather that the new demographic changes to come will have knock-on effects that we cannot yet imagine.

(تجربی ۹۹)

5. According to the passage, the gap between the old and the young .....

- 1) is not a new story in human life
- 2) has changed in favor of the old
- 3) has become less and less over the years
- 4) has become wider in the twenty-first century

6. Parents' reaction towards the change of power balance, as described in paragraph 1, can be described as all of the following EXCEPT .....

- 1) hopelessness
- 2) confusion
- 3) anxiety
- 4) anger

7. The word "relinquish" in paragraph 1 is closest in meaning to .....

- 1) retake
- 2) leave
- 3) enhance
- 4) follow

8. Which of the following best describes the function of "This is not to say" in paragraph 2?

- 1) To make a logical conclusion
- 2) To repeat an earlier statement
- 3) To introduce a new topic for discussion
- 4) To prevent a probable misunderstanding

**3** The country of Australia has a vast area of land called "the outback", where few people live. If you live in the outback, chances are you're far from any town. And that means you're a long way from a school. So what do you do if you can't go to school? Well, school comes to you. Over 100 kids in the outback attend ASSOA-Alice Springs School of the Air. ASSOA students are connected by the Internet.

#### توضیحات روش پاسخگویی به سؤالات واژگانی:

باید تک تک گزینه‌ها را جایگزین کنید و ببینید که جمله با کدام یک از آن‌ها بهترین معنی را دارد و همان گزینه را انتخاب کنید.

#### روش پاسخگویی به سؤالات مرجع ضمیر:

در این سؤالات باید گزینه‌ها را به جای ضمیر بگذارید و ببینید کدام یک به آن جمله می‌خورد و این گونه جواب را پیدا کنید.

#### روش پاسخگویی به سؤالات جزئی:

این سؤالات از جزئیات متن پرسیده می‌شود مثل: «چرا؟ چگونه؟ چه وقت؟ کجا و ...» در صورت این سؤالات کلمه یا کلمه‌های کلیدی وجود دارد که باید آن‌ها را پیدا کنید و بعد با Scan کردن متن، آن کلمه‌ها یا مترادف‌هایش را در متن پیدا کرده و با خواندن اطراف آن کلمات که در متن آمده‌اند، جواب را پیدا کنید.

#### توضیحات روش پاسخگویی به سؤالات غیرمستقیم یا استنباطی:

در پاسخگویی به سؤالات جزئی جواب در متن وجود داشت، اما در این گونه از سؤالات جواب به طور مستقیم در متن نیامده و باید آن‌ها را از متن استنباط کنید. بنابراین روش حذف گزینه خیلی به شما کمک خواهد کرد.

#### روش پاسخگویی به سؤالات موضوع اصلی:

بهترین روش برای پاسخگویی به این نوع سؤالات خواندن جمله اول هر پاراگراف است.

#### روش پاسخگویی به سؤالات منظور نویسنده:

برای پاسخگویی به این سؤالات، باید به جملات قبل و بعد از آن واژه دقت کنید و بعد با تحلیل کردن گزینه‌ها پاسخ صحیح را پیدا کنید.





## پاسخ‌نامه پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### خارج از کشور ریاضی، تجربی ۱۴۰۰

#### گرامر و واژگان

#### Grammar and Vocabulary

۱. گزینه «۲» (اداره) پلیس تصمیم گرفت در طول جاده دوربین‌های (کنترل) سرعت نصب کند، چون در سال گذشته هفت تصادف مرگبار رخ داده بود.

**توضیح** طبق الگوی: «... + گذشته بعید + because + ... + گذشته ساده»؛ جمله بعد از «because» حتماً باید به زمان گذشته بعید (had + p.p.) باشد؛ البته گزینه ۱ به دلیل عدم تولید معنای مناسب رد خواهد شد.

۲. گزینه «۱» یک خانواده زبانی عبارت است از گروهی از زبان‌ها با یک منشأ مشترک، واژگان مشابه، دستور زبان و سیستم‌های آوایی مشابه.

**توضیح** با در نظر گرفتن ساختمان جمله و معنای کلی آن، فقط گزینه ۱ عبارت صحیح و معناداری را تولید می‌کند.

۳. گزینه «۳» ما یک هفته‌ای را در استانبول گذرانیدیم و سپس یک ماهی را در یک روستا (سپری کردیم). روستائیان خودشان خیلی مهمان‌نواز بودند.

**توضیح** برای تأکید بر فاعل «The villagers» باید از ضمیر شخصی «themselves» استفاده کنیم؛ ضمائر شخصی تأکیدی بعد از فاعل و قبل از فعل قرار می‌گیرند.

۴. گزینه «۳» پنی‌سیلین هم با کشتن باکتری‌ها و هم با جلوگیری کردن از رشد آن‌ها عمل می‌کند.

**توضیح** کلمه ربط «and» دو عبارت همسان را به هم مرتبط می‌سازد؛ از طرفی به دلیل وجود کلمه «both» (هر دو) حتماً باید از «and» استفاده کنیم و ساختاری مشابه عبارت قبل از آن را بیاوریم.

۵. گزینه «۴» زندگی کردن در یک خانه سرد و مرطوب احتمال رنج بردن از سرفه و عفونت‌های سینه را افزایش می‌دهد.

(۱) عادت‌ها (۲) حملات، هجوم‌ها  
(۳) تنوع‌ها (۴) عفونت‌ها

۶. گزینه «۱» به یک فیل یک موش نشان بدهید و آن (فیل) به حرکتش ادامه خواهد داد، ولی زنبورهای عصبانی می‌توانند باعث گریختن کل یک گله بشوند.

(۱) گله، رمه (۲) ابزار  
(۳) دشت (۴) منطقه

۷. گزینه «۲» اگر شخص ناشناسی آن بچه را در آغوش بگیرد و یا حتی به‌طور موقتی تحت مراقبت یک فرد نا آشنا قرار گیرد، ممکن است بزند زیر گریه.

(۱) فهمیدن (با out)  
(۲) زدن زیر  
(۳) تبدیل کردن  
(۴) اندازه گرفتن

**توضیح** اصلاح «burst into tears» که در درس ۱ دوازدهم به کار رفته به معنای «زیر گریه زدن» یا «ناگهان گریه کردن» است.

۸. گزینه «۴» هشتاد درصد والدین فکر می‌کنند که تلوزیون برای جامعه و مخصوصاً کودکان مضر است.

(۱) عجیب (۲) اهلی، خانگی  
(۳) قدرتمند، قوی (۴) مضر





complex (adj.)	پیچیده
complaint (n.)	شکایت، گله
compete (n.)	رقابت کردن
complicated (adj.)	پیچیده، سخت
component (n.)	[اجزا] تشکیل دهنده، سازنده
comprehend (v.)	درک کردن، فهمیدن
comprehensive (adj.)	جامع، مفصل، کامل
comprise (v.)	مرکب بودن از، تشکیل شدن از
compute (v.)	حساب کردن، محاسبه کردن
conceal (v.)	مخفی کردن، پنهان کردن، قایم کردن
concentrate (v.)	تمرکز کردن
concept (n.)	تصور، مفهوم
concern (n.), (v.)	۱. نگرانی ۲. نگران کردن
conclude (v.)	۱. به پایان رساندن، تمام کردن ۲. تمام شدن
	۱. اجرا کردن
conduct (v.), (n.)	۲. راهنمایی کردن، هدایت کردن ۳. رفتار، کردار
confine (v.)	محدود کردن، منحصر کردن
confirm (v.)	[خبر، گزارش و غیره] تأیید کردن، تصدیق کردن
	۱. دعوا، نزاع
conflict (n.), (v.)	۲. [منافع و غیره] تضاد ۳. با هم مغایرت داشتن
conform (v.)	۱. وفق دادن، سازگار کردن ۲. سازگار بودن
confront (v.)	مواجهه شدن با، روبه‌رو شدن با
conquer (v.)	۱. شکست دادن، پیروز شدن بر ۲. [کشور و غیره] تصرف کردن
consent (n.), (v.)	۱. رضایت، موافقت ۲. رضایت دادن
consequence (n.)	نتیجه، اثر، پیامد

cheat (v.), (n.)	۱. تقلب کردن؛ کلاهبرداری کردن ۲. تقلب، کلاهبرداری
cheerful (adj.)	۱. شاد، خوشحال ۲. امیدبخش
chief (adj.), (n.)	۱. اصلی، عمده ۲. رئیس
cigarette (n.)	سیگار
circular (adj.)	گرد، دایره‌ای
circulate (v.)	چرخیدن، دور زدن، جریان یافتن
circumstance (n.)	[معمولاً در جمع] موقعیت، شرایط
citizen (n.)	شهروند، تبعه
civilization (n.)	تمدن
claim (v.), (n.)	۱. ادعای ... را کردن ۲. ادعا، مطالبه
classification (n.)	طبقه‌بندی، دسته‌بندی
classify (v.)	طبقه‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن
cliff (n.)	[کوه] پرتگاه، صخره
clinic (n.)	درمانگاه، کلینیک
clue (n.)	سرنخ، اثر، نشانه
coast (n.)	[دریا و غیره] ساحل، لب دریا
coincidence (n.)	۱. اتفاق، تصادف ۲. [رویدادها] تلاقی، هم‌زمانی
collapse (v.), (n.)	۱. [ساختمان و غیره] فرو ریختن، ویران شدن ۲. ریزش، خرابی
colleague (n.)	همکار
comfort (n.), (v.)	۱. راحتی، آسایش ۲. دلداری دادن، تسلی دادن
command (v.), (n.)	۱. فرمان دادن به / که ۲. فرمان، دستور
commercial (adj.)	بازرگانی، تجاری
commission (n.), (v.)	۱. کمیته، کمیسیون ۲. مأموریت، نمایندگی ۳. مأموریت دادن
commit (v.)	۱. [جرم، خلاف] مرتکب ... شدن ۲. به عهده گرفتن



get out	ترک کردن (مکان)	come across	شانسی پیدا کردن
get over	بهبود یافتن	come from	اهل جایی بودن
get up	از خواب بیدار شدن، بلندشدن	come off	موفق شدن
give back	پس دادن	come on	زودباش
give in	تحويل دادن، تسلیم شدن	come out	ترک کردن جایی
give off	آزاد کردن، ساطع کردن	come out	منتشر شدن، اکران شدن
give out	اکران کردن، پخش کردن	come up	نزدیک شدن
give up	ترک کردن (چیزی)	come up with	کنار آمدن، پیدا کردن ایده
go after	تعقیب کردن	count on	اعتماد کردن به
go down	وخامت بیماری، سرما خوردن، پایین آمدن	count up	جمع زدن
go on	ادامه دادن	cut down	کاهش دادن
go out	بیرون رفتن	deal with	ارتباط داشتن، کنار آمدن، سروکار داشتن
go up	بالا رفتن	drop in	سر زدن به
go with	هماهنگ بودن با	eat up	خوردن
grow up	بزرگ شدن	face up to...	مواجه شدن با...
hand in	تحويل دادن	fail through	موفق نشدن
hand over	واگذار کردن	fall down	افتادن
hand out	توزیع کردن	fall off	سقوط کردن
hang up	خاتمه دادن به مکالمه	feel like	میل به انجام کاری داشتن
hear from	شنیدن	fill in	کامل کردن
hang on	منتظر بودن	find out	فهمیدن
hold on	منتظر بودن	get across	منظور خود را رساندن
hold up	به تاخیر انداختن	get away	فرار کردن
join in	شرکت کردن در	get back	پس گرفتن
join up	به ارتش وارد شدن	get down	ناراحت کردن
keep away	دور نگه داشتن	get down to	پرداختن به
keep down	کنترل کردن	get into	درگیر شدن، بحث را آغاز کردن
keep from	جلوگیری کردن از	get off	پیاده شدن
keep on	ادامه دادن	get on	تفاهم داشتن، سوار شدن